

پیش گفتار

پیش گفتار برای آن عده از علاقه مندان پژوهش‌های تاریخی و عزیزی نوشته شده است که از سر ناآگاهی روی داده‌های تاریخی و پژوهش‌های فرهنگی را چنانچه باب طبع و میل آن‌ها نباشد، مخرب، دروغ، تهمت‌زا، نژاد پرستی و هتک حرمت به نژادها می‌دانند. برای جلوگیری از چنین برداشت‌های ناآگاهانه و غیرمنطقی پیشنهاد می‌شود به جای برخورد مقطعی و انفرادی با یک بخش از این پژوهش تاریخی، به تمام بخش‌های آن توجه شده و تمام متن از ابتدا تا انتها پی‌گیری شود.

(فراموش نکنیم! برابر اسناد و مدارک تاریخی که در پایان هر یک از بخش‌ها به منابع علمی آن اشاره شده است، ترکان باز مانده از نژاد زرد و فرزندان ناخلف چنگیز، تیمور و هلاکو به علت رفتارهای فردی و ساختارهای فرهنگی، قومی و قبیله‌ای خود، از آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری بسیار زشت و ناپسند برخوردار بودند که در هر فرهنگ و آیینی مطرود و نفرین شده است. اگر در گزارش «۵۰۰ سال تاریخ تمدن ایران» به ویژه‌گی‌های اجتماعی و اخلاقی ترکان اشاره می‌شود، منظور ترکانی بیابان گرد و وحشی از نژاد زرد هستند که جز قتل، غارت و پراکندن

تخم فساد در آن قرن‌ها کار دیگری نداشتند و در پناه همان بی‌رحمی‌ها و قتل‌عام‌ها در گوشه و کنار گستره پهناور ایران زمین از آغاز قرن سوم تا قرن دوازدهم و بعد با بی‌داد حکومت کردند و جز ویرانی و قتل‌عام و فساد چیزی از خود باقی نگذاشتند. ترکان آل افراسیاب، تاتار، غز، تغز، قفقاز و از این گروه هستند.)

در این گزارش تاریخی به هیچ روی فرودستی و یا بالادستی نژادی و قومی ایرانی و غیرایرانی مورد نظر نیست و هر قوم و قبیله و نژادی که ناسازگار با قراردادهای اجتماعی و ستیزه‌جو با حقوق انسان‌ها باشند، می‌تواند نا به کار، شرور، ستم‌گر و فاسد باشد. در قضاوت‌های تاریخی، نژادهای آریایی، سامی، ترک، کرد، بلوچ، ژرمن، هون، زرد، سرخ، سفید و سیاه هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و هر نژادی چنان چه به هرزه‌گی، فساد، بی‌عدالتی، ستم‌گری و تجاوز به حقوق انسان‌ها آلوده شود، از نگاه تاریخ که عادلانه‌ترین پنجره به سوی روشن شدن حقیقت است، به محاکمه کشیده می‌شود.

بنابراین اگر اشاره می‌شود که ترکان سلجوقی و یا هر یک از نژادهای دیگر ترک دارای آن ویژه‌گی‌های ضد اخلاقی، ضد انسانی و هم‌جنس‌بازی بودند، این موضوع هرگز به معنای نژاد پرستی و یا محکوم نمودن نژاد

ترک نیست. زیرا همین موضوع ممکن است در بین نژادهای سفید، سیاه و یا سرخ هم به فراوانی وجود داشته باشد. فراموش نکنیم برابر اسناد تاریخی در بین نژاد سیاه، قوم و قبیله‌هایی بودند که هم نوعان خود را می‌خوردند. و یا در بین برخی از قبیله‌های سرخ‌پوستان آمریکایی، تیره‌هایی بودند که آدم‌کشی، خون‌ریزی و آدم‌خواری در بین آن‌ها پدیده‌ای بسیار پیش پا افتاده و آسان بود. مگر همین سفید پوستان به گواهی تاریخ و فرهنگ گذشته و معاصر عامل فجایع بی‌شمار انسانی در سر تا سر گیتی نبوده‌اند؟ این قتل‌عام‌های بی‌شمار، تجاوز، ستم‌گری، آدم‌کشی و آدم‌سوزی‌های میلیونی توسط چه نژادی جز نژاد سفید انجام شده است. مگر شخصیت بیمارگونه، دیکتاتور و نژادپرستی مانند هیتلر از نژاد خالص سفید نبود؟! اگر هیتلر در این مورد ویژه مقصر شناخته شده و محکوم شود، آیا نژاد پرستی علیه نژاد سفید صورت گرفته است؟ ناآگاهی از مسایل تاریخی، قومی، نژادی و انسانی ددرسه‌های بی‌شماری برای ما ایجاد خواهد کرد. در شماره‌های آینده درباره ترک‌های ایرانی که هرگز ترک نبوده‌اند و نیستند و فرزندان دلیر خطی آذربایجان هستند مطالب تازه‌تری خواهیم داشت.

۱۷ ساله‌گی ره قلندران عیار بگرفت و به راه آنان شد و به زودی در شخصیت یک عارف پاک‌باخته و صوفی، اشعار زیبایی در عرفان سرود و آثار ارزشمندی از خود برجای گذاشت. بیت قلندران مدرسه‌ی همدان که شیخ را برانگیخت و او را بی‌خود کرد و به راه قلندران صوفی کشید چنین بود:

ما، رخت ز مسجد به خرابات کشیدیم
خط بر ورق زهد و کرامات کشیدیم
فخرالدین عراقی در جای گوید:
پسره، ره قلندر بزین، از حریف مایی
که دراز و دور دیدم، ره زهد و پارسایی
کم، خانقه گرفتم، سر مصلحی ندیدم
قدح شراب پر کن، به من آر! چند پایی؟

۳- خداوندگار کلام، شیخ‌الامام المحقق، ملک‌الکلام، افصح المتکلمین، ابو محمد مشرف‌الدین (شرف‌الدین) مصلح‌بن عبدالله بن مشرف السعدی الشیرازی (سعدی) که بعد از فردوسی کبیر هیچ شاعر، سخن‌گو، ادیب و حکیمی نتوانسته است به اندازه او برسد. (۶۰۶ - ۶۹۱ هجری)

و خردورزان و اندیشمندان قرن هشتم هجری قمری:

- ۱- امیر خسرو دهلوی، شاعر عارف و نام‌آور ایرانی مقیم هندوستان (۷۲۵، ۶۵۱ هجری)
- ۲- شیخ علاءالدوله سمنانی، شاعر عارف صوفی (۶۵۹ - ۷۳۶ هجری)
- ۳- امیرحسین دهلوی، شاعر پارسی‌گوی ایرانی ساکن هندوستان (۶۵۰ - ۷۳۸ هجری)
- ۴- اوحدی مراغه‌ای، شاعر عارف صوفی (۷۳۸ هجری)
- ۵- خواجه‌ی کرمانی، شاعر عارف صوفی (۶۸۹ - ۷۵۳ هجری)
- ۶- ابن یمین، شاعر اواخر قرن هفتم - درگذشت در سال ۷۶۹ هجری
- ۷- عبید زاکانی، شاعر و نویسنده منظومه‌ی مشهور «موش و گربه» (تولد اوایل قرن هشتم - درگذشت ۷۷۲ هجری)
- ۸- عماد فقیه، در سال‌های پایانی قرن هفتم متولد و در سال ۷۷۳ هجری درگذشت
- ۹- سلمان ساوجی (۷۰۹ - ۷۷۸)
- ۱۰- خواجه شمس‌الدین محمد بن محمد حافظ شیرازی (حافظ)، ۷۲۷ - ۷۹۲

حافظ پادشاه بی‌چون و چرا و مطلق غزل در ایران‌زمین و عارفی بزرگ است که اصلاً در کسوت درویشان خانقاه‌نشین و صوفیان خرقه‌پوش و زاهدان ریایی نیست. حافظ نیز همانند بیش‌تر شاعران قبل و بعد از خود به مدح پادشاهان، حکام و امرای عصر خود می‌پردازد و از امتیاز این مدح و ثنا نیز بهره‌های فراوان می‌برد. در

۱- کم KOM معنی مجازی آن: جامه، قبا، خرقه و لباس مخصوص قلندران و درویشان و خانقاه است.

پس از مرگ این مغول خون آشام در سال ۶۲۴ هجری قمری متصرفات وی بین جانشینانش تقسیم گردید تا این که در محدوده سال ۶۵۰ هجری قمری سرتاسر ایران در اختیار خان وحشت‌انگیز دیگری به نام هلاکو قرار گرفت. هلاکو با سرعت تمام حکام محلی و ایالتی را مطیع ساخت و به سوی بغداد روانه شد. وی در سال ۶۵۶ هجری قمری المستعصم بالله آخرین خلیفه‌ی عباسی را کشت و حکومت ۹۱ ساله‌ی امویان و ۵۲۵ ساله‌ی عباسیان را منهدم ساخت، بغداد را بسوخت و تار و پود حکومت تازیان و خلفا را که ۶۱۶ سال بر گستره پهناور اسلامی حکومت می‌راندند، از هم درید.

یورش این قوم وحشی، بی‌تمدن و بی‌سواد به ایران که از چنگیز در سال ۶۱۶ هجری آغاز و با تسلط هلاکو در سال ۶۵۰ به پایان رسید، دوباره و در قرن هشتم و در سال ۷۷۳ با فتنه‌گر خانمان‌سوز، بی‌رحم، بیمار و خون‌ریز دیگری به نام تیمور لنگ آغاز شد که نه مانده آثار فکری، فرهنگی و شهری‌گری گستره پهناوری به نام ایران‌زمین، از مرزهای ماوراءالنهر (فرارود) تا رود دجله و فرات و تاروم شرقی و تا بین‌النهرین را منهدم ساخت و به هر کجا که پای گذاشت جز سوختن، ویرانی، قتل‌عام، کشتار و مناره ساختن از سر مردم بی‌گناه، و ایجاد کوبه‌هایی از چشم‌های از حدقه در آمده، تفریح و سرگرمی دیگری نداشت.

و بدین ترتیب ایران جولان‌گاه تاخت و تاز اقوام بیگانه شد و از آن تمدن درخشان و جهان‌گیر، جز اسکلتی خرد و مسخ شده از فرهنگ‌های منحط تازیان و مغولان چیز دیگری بر جای نماند و آثار شوم آن نابخردی‌ها، نسل‌کشی‌ها، زشت رفتاری‌ها و فرهنگ ستیزی‌ها تا امروز نیز ادامه دارد.

بیش‌تر این مهاجمان از همان غلامان ترک‌نژادی بودند که پیش‌تر راجع به شخصیت فکری و خانواده‌گی و اجتماعی آنان صحبت شد و تا سال ۹۰۷ هجری که سال آغاز حکومت صفویان است این فتنه ادامه می‌یابد.

بسیار شگفت‌انگیز است اگر بگوییم که در این دوران سخت و وحشت‌زای شوم، ادبیات ایران حفظ شد و خردورزان و اندیشمندان زیادی در این سال‌های بحرانی و فتنه‌انگیز، آثار مانده‌گار و بی‌نظیری از خود بر جای گذاشتند که مشهورترین آنان عبارتند از:

- ۱- خداوندگار عارفان، مولانا جلال‌الدین محمد بن سلطان العلما بهاء‌الدین محمد بن حسین بن احمد خطیبی بکری بلخی (مولانا جلال‌الدین بلخی)، (مولای روم)، (مولوی)، (جلال‌الدین محمد بلخی) بزرگ‌ترین شاعر عارف ایران‌زمین (۶۰۴ - ۶۷۲ هجری)
- ۲- شیخ فخرالدین بن بزرجمهر بن عبدالغفار همدانی فراهانی (فخرالدین عراقی) ۶۱۰ - ۶۸۸ هجری. وی از جمله‌ی عارفان بزرگ صوفیه است که ره زهد پیمود و چون در این راه نامردی‌ها از زاهدان ریایی دید با بیت زیر که گروهی از قلندران که از مدرسه‌ی شهر همدان عبور می‌کردند، بر او خواندند، ناگهان عمامه از سر برداشت، دستار فرو افکند، دست از تدریس شریعات برداشت و در



ایران را ویران کرد و بسوخت، اما چنانچه از حقیقت و آنچه که بعدها تاریخ به ما نشان داد نگذریم، گذشته از آن همه ستم‌گری، شرارت، تأسف و شوربختی‌ها، این قوم نادان به شکلی ناخودآگاه پدیده‌های مثبتی را نیز برای سرزمین ایران به ارمغان آورد که بعدها راه‌گشای استقلال ایران شد. نگاه کنید:

۱- عرب‌ها در طول قرن‌ها حاکمیت مرگ‌بار و به شدت ایدئولوژیک خود که هر حرکت استقلال‌طلبانه و ملی را به عنوان مخالفت با اسلام، خدا و قرآن توجیه کرده و گروه، گروه از ایرانیان استقلال‌طلب را به جرم کفر و الحاد قتل‌عام می‌کردند، در عین حال تار و پود سیستم اداری، اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران را در این مدت طولانی در هم نوردیدند. هیچ حکومت و یا سلسله‌ای از حکام ایرانی در طول مدت ۶۳۰ سال حاکمیت مطلق عرب‌ها بر ایران پیدا نشد که به شکلی همه‌جانبه و جدی حاکمیت تا زبان را در بغداد به خطر اندازد و باعث انهدام دستگاه خلافت بشود و ایران را از زیر تازیانه‌ی عجمیتی که از سوی عرب‌ها به نژاد ایرانی تحمیل شده بود نجات دهد.

۲- اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان با توجه به پذیرش دین اسلام و حل شدن ۶۰۰ ساله در فکر و فرهنگ اسلام و عرب، ویژه‌گی‌های کهن ملی و قومی خود را از دست داده و به صورت یک کشور عربی - اسلامی در آمده بودند. همان‌گونه که مصر، یمن، سوریه، فلسطین، عراق و کشورهای شمال آفریقا چنین شده بودند.

۳- در همین اوضاع و احوال به شدت مراقبت شده از سوی خبرچینیان، جاسوسان و کارگزاران ایرانی عرب شده و یا مستمری‌بگیران دستگاه خلافت، چنانچه دسته‌ها، حکومت‌ها و دولت‌های کوچک و بزرگ ایرانی در گوشه و کنار گستره پهناور ایران زیر سلطه‌ی اعراب، سر به مخالفت برمی‌داشتند و یا درخواست استقلال می‌کردند به دلایلی مانند: ترس از مردم مسلمان شده، هراس از گرفتار شدن به عذاب الهی

عین حال، حافظ در بیش‌تر اشعارش از تعصب عقیده، باورهای مذهبی خشک، از خر مقدسان، زاهدان ریاکار و مذهب مردم‌آزار اظهار تنفر می‌کند و عدم وابستگی و آزاده‌گی انسان را می‌ستاید و درس تسلیم نشدن به زور و زر و مذهب تزویر و ریا را به دیگران می‌آموزد.

در قرن هفتم و هشتم، نثر پارسی نیز همانند شعر دست خوش بحران‌های اجتماعی جامعه مانند هجوم، غارت، کشتن آدم‌های بی‌گناه، قتل‌عام‌های فجیع و بی‌پایان مغولان گردید. بی‌مناسب نیست اگر گفته شود با از هم پاشیده شدن تومار امپراتوری گسترده اسلامی و انهدام خلافت اسلامی و در پی آن طرد شدن زبان عربی، زبان پارسی جان دوباره یافت و در دست‌رس افراد بیش‌تری قرار گرفت. به همین دلیل مغولان برای اداره امپراتوری بی‌سر و ته و بسیار گسترده خود به ناچار از خلاقیت، مدیریت و سیاست مملکت‌داری و وزرای ایرانی استفاده کردند. دبیران خریدپیشه، اندیشمندان و دیوان‌سالاران ایرانی به کارهای بزرگ گمارده شدند. بدین ترتیب نثر پارسی گسترش یافت و زبان پارسی جای‌گزین زبان عربی گردید.

در این دو قرن پر آشوب و فتنه‌انگیز و وحشت‌زا، اندیشمندان بزرگی برآمدند و آثار ارزشمندی را به نثر و شعر پارسی به وجود آوردند که نامی‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- ۱- محقق ترمذی که در علوم دینی و معارف تألیفاتی دارد.
- ۲- شمس تبریزی که از مشاهیر عرفا و مشایخ صوفیه و اکابر درویشان است که مولوی به خاطر ارادت به این عارف بزرگ، دیوان قضاید عرفانی خود را به نام وی (دیوان شمس) نامیده است.
- ۳- منہاج سراج ۴- افضل‌الدین کاشانی ۵- مویدالدین خوارزمی ۶- نجم‌الدین رازی ۷- عراقی ۸- خواجه نصیرالدین طوسی ۹- مولانا جلال‌الدین بلخی ۱۰- عطا ملک جوینی ۱۱- سعدی ۱۲- خواجه رشیدالدین فضل‌الله ۱۳- و صاف ۱۴- عبید زاکانی ۱۵- حمدالله مستوفی ۱۶- شیخ علاءالدوله سمنانی ۱۷- شیخ محمود شبستری و بسیاری از بزرگان دیگر

تیمور لنگ

با آمدن تیموریان و نشستن تیمور لنگ بر تخت پادشاهی این سلسله از سال ۷۷۱ هجری و تا ظهور صفویان در سال ۹۰۷ هجری یعنی در مدت ۱۳۶ سال حکومت تیمور لنگ و فرزندانش بر سرزمین ایران، شعر و نثر پارسی نه تنها در بین اندیشمندان و خردورزان ایرانی گسترش یافت، بلکه تعداد زیادی از پادشاهان و شاهزاده‌گان تیموری نیز با تأثیرپذیری از شعر و نثر پارسی، آن‌قدر به زبان فارسی مسلط گردیدند که به زبان فارسی شعر می‌سرودند و به زبان فارسی کتاب‌هایی تألیف می‌کردند.

در این‌جا ناچاریم به این حقیقت تلخ اعتراف کنیم که، بورس بی‌امان، وحشت‌انگیز و خونین قبیله‌های ترک‌نژاد، چنگیزیان، مغولان و تیموریان، اگرچه هزاران نفر از شهروندان ایرانی را پیش از پذیرفتن اسلام و هزاران نفر دیگر را پس از پذیرش مذهبی مسخ شده به نام اسلام مغولی^۱ توسط این قوم مهاجم کشت و سراسر

۱- در فرهنگ نژاد زرد و ترکان پدیده‌ای به نام دین، مذهب و آیین یکتاپرستی به آن شکل و صورتی که در خاورمیانه، ایران، حجاز، شام، صحرای سبیا و اسرائیل که جای‌گاه برآمدن پیامبران بزرگی مانند: زرتشت (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) و غیره بود، وجود نداشت. به همین سبب برداشت فرهنگی و فکری آن‌ها از دین تازه‌ای به نام "اسلام" برداشتی من در آوردی. قبیله‌ای و بسیار عقب‌افتاده بود که فقط به بخش منفی آن یعنی: قصاص، مجازات، قتل و شمشیر اسلام توجه می‌شد. به همین دلیل اسلامی را که مغولان به آن معتقد شدند، رنگ و بوی نژادی و قبیله‌ای گرفت. آداب و سنت‌های عقب‌مانده آن‌ها در دین جایید وارد شد و با نگاه ما به صورت "اسلام مغولی" در آمد.





به علت نافرمانی از خلیفه‌ی مسلمین که او را نماینده خدا در زمین تبلیغ کرده بودند و یا ترس از شورش عمال و کارگزاران والی مسلمانان، خطبه‌خوان فرعون می‌شدند به نام خلیفه که در کاخ‌های بغداد دفتر و دستگاه و بارگاهی افسانه‌ای برای خود ساخته بود. بسیاری از این حاکمان به ظاهر ایرانی مهر خلافت را در زیر ورقه‌ی حاکمیت خود زدند می‌کشیدند و در مساجد خطبه به نام خلیفه می‌خواندند و باج‌گزار او بودند تا به دور از شر خلیفه و کارگزارانش به حکومت خود بپردازند و مردم تحت ستم خلیفه را در ظلمی مضاعف از سوی خود و خلیفه گرفتار نمایند.

۴- دور بودن مغولان از مرکز حاکمیت خلیفه و خلافت اسلامی و فاصله‌ی زیاد شام، دمشق و بغداد تا مرکز سکونت مغولان که از دورترین قسمت‌های شرق و شمال شرقی آسیا بر آمده بودند.

۵- بی‌علاقه‌گی و بی‌توجهی مغولان به آموختن زبان تازی.

۶- سخت‌فهمی و سخت‌آموزی زبان عربی برای کسانی که می‌خواستند این زبان را از پایه بیاموزند، برخلاف ساده‌گی و شیرینی زبان فارسی.

۷- برچیده شدن موانع و مشکلات آموزش زبان فارسی برای ایرانیان و غیرایرانیان بعد از انهدام دستگاه خلافت.

۸- سقوط زبان عربی از درجه‌ی اول و تبدیل شدن آن به زبان دوم پس از زبان فارسی.

۹- رفع اجبار در یادگیری زبان عربی با جمع شدن گستره حاکمیت خلفا.

۱۰- علاقه‌مندی مغولان به زبان، شعر و ادب فارسی.

۱۱- بازگشت سریع ایرانیان به زبان، فرهنگ و تمدن بسیار پیش‌رفته و غنی خود به عنوان نشان دادن یک عکس‌العمل در مقابل اعمال ضدملی، ضدفرهنگی و ضدنژادی عرب‌ها نسبت به فرهنگ و تمدن ایران و ... پدیده‌های مهمی بودند که راه استقلال کامل ایران زیرسلطه‌ی تازیان را هموار کردند.

بنابراین فراموش نکنیم همان پدیده‌های مثبتی که از سوی قومی ویران‌گر و به صورتی ناخواسته در تاریخ شکل گرفت، باعث استقلال سرزمینی شد که حدود هفت قرن زیر یوغ سخت‌ترین و توهین‌آمیزترین فشارهای سیاسی و ایدئولوژیک زندگی مرگباری را گذرانده بود.

در عین حال از این واقعیت تاریخی نباید چشم پوشید که، سرزمینی به نام ایران و گستره پهناوری به نام حاکمیت ساسانیان و پادشاه بخت برگشته‌ای به نام یزدگرد سوم ساسانی، مغلوب سپاه چنگیزیان، هلاکوتیان و یا تیموریان نشده بود. تاز و پود حکومت جهان‌گستر ساسانیان صدها سال پیش‌تر از حمله‌ی چنگیز به ایران، در سال ۶۵۲ میلادی برابر ۳۱ هجری توسط اعراب از هم گسسته شد و حاکمیت قانونی آن زیر سلطه‌ی اعراب و خلفای اموی و عباسی قرار گرفت.

بنابراین اگر سلطان جلال‌الدین خوارزم‌شاه مشهور به «منکبری» در سال ۶۲۸ هجری مغلوب چنگیز شد و ایران به تسخیر چنگیزیان در آمد، نه سلطان جلال‌الدین خوارزم‌شاه از نژاد و سلسله‌های ایرانی بود و نه ایران از استقلال ملی و جغرافیایی بهره‌مند. خوارزم‌شاهیان

از ترکان بودند و ایران نیز از ۶۲۸ سال پیش در تصرف تازیان بود و در تمام طول این مدت ۶۲۸ سال تسلط نفرت‌انگیز تازیان بر گستره پهناور ایران، به هر دلیل موجه و یا غیرموجهی هیچ حکومتی نتوانست قبل از حمله‌ی هلاکوخان به بغداد در سال ۶۵۶ هجری و انهدام آن حکومت وحشت‌انگیز و ظاهراً مذهبی، حتی یک پایه از تخت فولادین فراعنه‌ای به نام «خلفای اسلامی» را در بغداد به لرزه در آورد.

بنابراین، شجاعت، سرسختی و اراده مردی از تبار ایل خانان مغول، بدون ترس از حریم مقدس مذهبی که برای خلفا ایجاد کرده بودند، باعث شد تا پایه‌های حکومتی ۶۵۶ ساله که بیش‌ترین توهین‌های نژادی، فرهنگی و ملی را نسبت به ایرانیان روا داشته بود، فرو ریخته و منهدم شود.

بدون تردید اگر مرد وحشت‌انگیزی مانند هلاکو، خان مغول در تاریخ ایران و اعراب ظهور نمی‌کرد، شاید سرزمین ایران نیز همانند سرزمین‌های مصر، سودان، مراکش، لیبی، سوریه، یمن، لبنان و عراق به صورت یکی از کشورهای سرزمین‌های عربی به شمار می‌آمد و تاریخ و تمدن آن همانند تاریخ فرهنگ و تمدن کلد، آشور و بابل به فراموشی سپرده می‌شد.

گردش روزگار را نگاه کنید. آیا ما ایرانیان نباید سپاس‌گزار خانی خون‌ریز، آدم‌کش، بی‌رحم و ویران‌کننده ایران به نام هلاکو، خان مغول باشیم؟ پرسشی است از تاریخ!! افسانه‌ای وجود دارد که در آن گفته‌اند: در جهنم عقرب‌های جراره‌ای هستند که جهنمیان از ترس آن عقرب‌ها به افعی پناه می‌برند، بدون این‌که از سرانجام کارشان آگاه باشند. هلاکو، برای ایران حکم همان افعی را داشت.

* * *

باز می‌گردیم به اصل مطلب: از قرن هفتم هجری به بعد شعر و شاعری و نگارش متن‌های مختلف به عنوان یک حرفه درآمد و افراد بسیار زیادی به این شغل گرویدند و از این راه به کسب درآمد پرداختند و تعدادی از آنان به ثروت‌های کلان دست یافتند و به مقامات بالا رسیدند. به نام تعدادی از این بزرگان اشاره می‌کنیم:

۱- شاه نعمت‌الله ولی مؤسس سلسله‌ی نعمت‌اللهی در صوفیه (۷۳۰ - ۸۳۴) وی از مشاهیر عرفان ایران است.

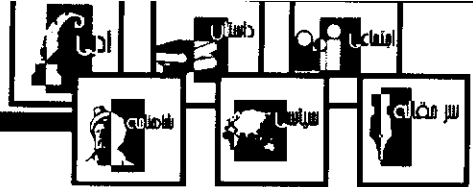
۲- کاتبی نیشابوری (تولد اواسط قرن هشتم - درگذشت ۸۳۹)

۳- امیر شاهی (تولد اواخر قرن هشتم - درگذشت ۸۵۷)

۴- نورالدین عبدالرحمن بن نظام‌الدین احمد بن محمد (جامی) - بزرگ‌ترین شاعر عارف پس از حافظ است. به باور بسیاری از پژوهش‌گران شعر و ادب پارسی، جامی آخرین جام از قند شراب ناب شعر ایران است که بعد از او دیگر کسی به حد و اندازه شاعران بزرگ گذشته نمی‌رسد و دوران فرو افتادن شعر پارسی آغاز می‌گردد و تا آغاز مشروطیت ادامه می‌یابد. عبدالرحمن جامی در شعر مرتبه‌ی والایی دارد و به عنوان آخرین استاد بزرگ شعر پارسی از وی نام‌برده می‌شود (۸۱۷ - ۸۹۸)

۵- اهلی شیرازی (۸۵۸ - ۹۴۲)

و نویسنده‌گان بزرگ این عصر عبارتند از:



- ۱- نظام شامی ۲- معین‌الدین نطنزی ۳-
- خواجه محمد پارسا ۴- شرف‌الدین علی یزدی ۵-
- حافظ ابرو ۶- کمال‌الدین خوارزمی ۷-
- فصیح خوافی ۸- عمادالدین محمود ۹-
- کمال‌الدین عبدالرزاق ۱۰- عبدالرحمن جامی ۱۱-
- میرخواند ۱۲- خواند میر ۱۳-
- دولت شاه سمرقندی و بسیاری دیگر.....

ادامه دارد . . .

کتاب‌نامه‌ی ۵۰۰۰ سال تاریخ فرهنگ و تمدن ایران

- ۱- قابوس‌نامه - قابوس بن وشمگیر
- ۲- تاریخ حبیب‌السیر - میرخواند
- ۳- تاریخ جهان‌گشای جوینی
- ۴- تاریخ طبرستان
- ۵- تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی
- ۶- فرهنگ و تمدن ایران - محمود بختیاری
- ۷- هزار سال نثر پارسی - کریم کشاورز - ناشر سازمان کتاب‌های جیبی - تهران ۱۳۴۵
- ۸- دیوان‌های مختلف شاعران قرن سوم هجری به بعد
- ۹- ایران از آغاز تا اسلام - پروفیسور گیرشمن - ترجمه‌ی دکتر محمد معین
- ۱۰- تاریخ بیهقی - به کوشش: دکتر غنی - دکتر فیاض

- ۱۱- معجم البلدان - چاپ لایپزیک - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۲- راحه الصدور راوندی - چاپ لیدن - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۳- تاریخ دولت آل سلجوق - البنداری الاصفهانی
- ۱۴- مجموعه‌ی تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - انتشارات فردوس - چاپ چهاردهم - تهران ۱۳۷۸
- ۱۵- تاریخ معاصر ایران - پیتراوری (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان) ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی - انتشارات عطایی - تهران ۱۳۶۳
- ۱۶- تاریخ ایران باستان تا امروز (۶ مورخ) گرانوسکی، داندامایو، ا. کاشلنکو، پتروشفسکی، م. ایوانوف، ک. بلوی ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی - انتشارات پویش - تهران
- ۱۷- تاریخ ایران - رابرت - گرت واتسن - ترجمه‌ی وحید مازندرانی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۴۸
- ۱۸- مجموعه‌ی بزرگ تاریخ ویل دورانت - ویل دورانت‌ها - ترجمه گروه مترجمین - انتشارات انقلاب اسلامی
- ۱۹- تاریخ ایران از دوره باستان تا قرن ۱۸ میلادی (۵ مورخ) پیگولوسکایا، یاکوبوسکی، پتروشفسکی، بلنیتسکی، استرویوا - ترجمه‌ی کریم کشاورز - انتشارات پیام - تهران ۱۳۵۲
- ۲۰- تاریخ مفصل مشروطیت ایران - عباس اسکندری - انتشارات میخک - تهران ۱۳۶۱
- ۲۱- مشرق‌زمین گاهواره تمدن - ویل دورانت - ترجمه‌ی دکتر امیرحسین آریان‌پور
- ۲۲- خاطرات و خطرات - مهدی قلی‌خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه هدایت) نشر زوار - تهران ۱۳۶۱
- ۲۳- انقلاب مشروطه ایران - رحیم رضازاده ملک - نشر زوار - تهران ۱۳۷۷
- ۲۴- تمدن اسلام و عرب - گوستاو، لوبون - ترجمه حضارة العرب - انتشارات اسلامیه - به کوشش: سید هاشم حسینی - تهران ۱۳۵۴
- ۲۵- ایران، کلد، شوش - مادام ژان ویولافوا - ترجمه‌ی = محمدعلی فره‌وشی - به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۶۹
- ۲۶- سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش - مادام ژان ویولافوا - ترجمه‌ی ایرج فره‌وسی - دانشگاه تهران ۱۳۶۹
- ۲۷- تاریخ سیستان
- ۲۸- تاریخ ادبیات ایران (ادوارد - براون)
- ۲۹- عالم آرای عباسی
- ۳۰- حبیب‌السیر - چاپ خیام - جلد ۴
- ۳۱- لغت‌نامه‌ی دهخدا
- ۳۲- مجله آینده - مجلد دوم - شماره مسلسل ۱۷